



استعمار با فرقه‌سازی در اسلام زمینه‌های استثمار را فراهم کرد

رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقاتی اسلامی فتوح گفت: استعمار با فرقه‌سازی در درون اسلام هم‌چون بابیه، شیخیه، بهائیت، وهابیت یکپارچگی اعتقادی مردم جوامع اسلامی را از آنها گرفت و با تولید تئوری جدایی دین از سیاست زمینه استثمار هرچه بیشتر خود را فراهم کرد.

رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقاتی اسلامی فتوح گفت: استعمار با فرقه‌سازی در درون اسلام هم‌چون بابیه، شیخیه، بهائیت، وهابیت یکپارچگی اعتقادی مردم جوامع اسلامی را از آنها گرفت و با تولید تئوری جدایی دین از سیاست زمینه استثمار هرچه بیشتر خود را فراهم کرد.

به گزارش خبرنگار آئین و اندیشه باشگاه خبری فارس «توانا» سخنان رهبر انقلاب اسلامی در اجتماع بسیار عظیم علما، فضلا و طلاب قم با تبیین ضرورت هوشیاری در مقابل دو مفهوم غلط و انحرافی؛ یعنی «حکومت آخوندی» و نیز «تقسیم روحانیت به آخوند حکومتی و غیرحکومتی» تأکید کردند: «آنها می‌خواهند نظام را از پشتوانه عظیم فکری، عقلي و استدلالی علما محروم کنند و به خیال خود روحانیت انقلابی و حاضر در صحنه را منزوی و بدنام سازند که باید با این اهداف، هوشیارانه مقابله کرد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای روشن شدن ابعاد تاکتیک دشمن در طرح این دو مفهوم انحرافی به تشریح نسبت متقابل روحانیت و نظام اسلامی پرداختند و تأکید کردند: «نسبت حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، «حمایت و نصیحت» و «دفاع در کنار اصلاح» «است.»، ایشان در همین بحث، نسبت دادن حکومت آخوندی به جمهوری اسلامی را تهمت و دروغی آشکار دانستند و افزودند: «نظام اسلامی، حکومت دین و ارزش‌های دینی است نه حکومت افراد روحانی» در همین راستا گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام احمد رهدار، رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح انجام شده است که در ذیل می‌آید:

* مقام عظمای ولایت در جمع پرشور مردم قم، با بیان اینکه دشمن در صدد است، اسلام منهای سیاست را در جامعه اسلامی ترویج نماید تا مقاصد ددمنشانه خود را به راحتی پیاده کند. به نظر جنابعالی چرا اینچنین توطئه‌ای طراحی شد و چگونه می‌توان با آن مقابله کرد؟

– در سال‌های قبل؛ اساتید دانشگاه‌های شرق‌شناسی غرب در سفرنامه‌ها و مقالات‌شان با انگشت گذاشتن بر روی دو نکته کلیدی، کارکرد بهتر استثمارگری غرب علیه جوامع شرقی به خصوص بلاد اسلامی را تدوین کردند که برای پیشبرد هرچه بهتر اهداف باید 2 مانع را از سر راه بردارند، مانع اول در کل تاریخ معاصر، هویت عشایر است که عشایر هیچ‌گاه کمک حال استعمار نشدند بلکه با مقاومت مثال زدنی در برابر دشمنان خارجی از آب و خاک خود دفاع کردند و مانع دوم که مستشرقین غربی نام بردند، دین است؛ چرا که اهل دین مخصوصاً علما که نمایندگان دینی مردم هستند، اجازه استعمار و غارت کشورشان را توسط چپاولگران غربی نمی‌دهند. بنابراین استعمار برای هر رفع دو مانع برنامه‌هایی را طراحی کرد و با شیوه‌های گوناگون و با ترفندهای مختلف دین اسلام، را دینی معرفی کردند که با علم، تولید و پیشرفت مخالفت است و کتاب‌های زیادی در این رابطه نوشتند و همچنین اظهار داشتند؛ دین اسلام دین خوبی نیست.

و با طرح این صحبت که اسلام از اقوام نزدیک به جوامع اسلامی متأثر بوده است، سعی در تخریب چهره دین اسلام داشته‌اند مثلاً گفتند: شیعه از زرتشتی‌گری ایرانی و تصوف اسلامی نیز از رهبانیت مسیحیت متأثر است. استعمار با ایجاد فرقه‌سازی در درون اسلام مثل بابیه، شیخیه، بهائیت، وهابیت یکپارچگی اعتقادی مردم جوامع اسلامی را از آنها گرفت و با تولید تئوری جدایی دین از سیاست زمینه استثمار هرچه بیشتر خود را فراهم کرد.

* رویکرد علما نسبت به تئوری جدایی دین از سیاست به چه صورت بوده است؟ و آیا اسلام نسبت به سیاست دید منفی دارد؟

– دشمن با بیان اینکه اسلام با مداخله در سیاست مخالفت کرده‌است و حضور در سیاست منجر به ضربه زدن دیانت می‌شود، مسلمانان را از حضور در صحنه سیاست بر حذر می‌دارد.

در آیات قرآن کریم به صراحت آیه‌ای در باب سیاست نداریم؛ ولی آیات متعددی وجود دارد که به نمایندگان دینی و انبیا دستور داده است که حکومت دینی تشکیل دهند و با عبارت «ما به اینها حکم دادیم»، «ما به اینها حکومت دادیم» به طور مثال در خصوص حضرت داوود (ع)، سلیمان (ع) یا در مورد پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: احکام را جاری کن، دست دزد را قطع کن، زنا کار را شلاق بزن، لزوم تشکیل حکومت اسلامی را بیان می‌کند که اجرای احکام مستلزم این است که حکومت اسلامی وجود داشته باشد. البته دشمن با طرح این شبهه که دین از سیاست جداست و هر مسلمانی که وارد سیاست شود، دین خود را به تباهی می‌کشاند، در ذهن بسیاری از عوام در مقطعی از تاریخ موثر بوده است، برخی از آقایان اهل علم یا به علت کج‌فهمی یا به علت عدم بینش اجتماعی، بر این تئوری صحنه گذاشتند.

عنصر ایرانی در تجربه تاریخ معاصر ایران یک سیر تکاملی در نسبت میان دین و سیاست طی کرده و با احساس اینکه جز به مدد آموزه‌های دینی و عالمان دینی نمی‌شود بر استعمارگران پیروز شد، در مقابل متجاوزان مقاومت کردند و برای این منظور نیاز به جریان

اصلاحی که کارآمدی بالا و نفوذ زیادی اجتماعی در میان مردم داشته باشند، احساس شد؛ بنابراین روحانیون عامل موثری برای نجات از سیطره فشارهای خائنه استعمار محسوب شدند.

وجود نهضت‌های متعدد به رهبری روحانیت معزز در تاریخ معاصر گواه این مطلب است، نهضت‌هایی همچون مشروطه، تحریم تنباکو و قیام مسجد گوهرشاد، نمونه‌ای از هزاران حضور روحانیت در عرصه سیاست است.

برآیند تجربه همه نهضت‌ها در آستانه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به وقوع پیوست و مردم احساس نیاز کردند که ضمن پاسداری از دیانت‌نشان، باید از خاک، ملیت، منافع زندگی خویش دفاع کنند و این روحانیت است که استقلال، عفت و شرف را برای آنها ارمغان آورده است.

به‌طور قطع می‌توان گفت حوزه‌های علمیه و علمای ما بیدارتر از گذشته در کنار مردم؛ در خط امام و رهبری با پذیرفتن اینکه سیاست عین دیانت است، این انقلاب را پیش می‌برند.

* منشأ تئوری اسلام منهای روحانیت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ و چرا کانون توجه دشمنان این مرز و بوم است؟

– اسلام منهای روحانیت توسط استعمار تولید شد و متأسفانه از زبان یکی از روشنفکران ایران مطرح شد که #171؛ من خوشحال هستم اسلام منهای روحانیت در جامعه در حال جا افتادن است»، امام خمینی (ره) در برابر ایشان چند بار موضع‌گیری کردند و بیان داشتند: #171؛ کسانی که اسلام منهای روحانیت را مطرح می‌کنند با روحانیت مشکلی ندارند بلکه با خود اسلام مشکل دارند»؛ #171؛ روحانیت سخنگوی اسلام است، اسلام بدون سخنگو می‌میرد و نمی‌شود یک دین سخنگو نداشته باشد»، #171؛ این روحانیت است که اسلام را زنده نگه داشته است».

احساس می‌شود کسانی که بحث اسلام منهای روحانیت را مطرح می‌کنند با ولایت فقیه به عنوان فرزند حوزه‌های علمیه مخالفت دارند و از این تئوری برای خشکاندن ولایت فقیه استفاده می‌کنند.

دشمن، از روحانیونی که افشاگری نکنند و طرح‌های آنها را خنثی و دست به جریان‌های مقاومت و ضداستکباری نزنند را مورد حمایت خود قرار می‌دهد و ولایت فقیه چون تئوری آگاهی‌بخش، مقاومت‌ساز، الهام‌بخش و استکباری ستیز را در صدر کارهایش قرار می‌دهد؛ مورد خصم دشمنان واقع می‌شود.

بنابراین ملت ایران در بلندی قله تاریخ زمان خود به سر می‌برد و در گردنه‌های خطرناک نظام، امام و ولایت را تنها نگذاشته‌اند، چرا که انقلاب را از عمق وجود درک کرده‌است.

در همین فتنه سال 88 حجم تبلیغاتی دشمن و سرازیر شدن پول‌های آنها به داخل کشور برای اهل فتنه و به رغم همه تلاش‌های خارجی و ایادی داخلی آنها با وجود ولایت فقیه ثبات حکومت اسلامی بر همه جهانیان اثبات شد.

* برخی از مراجع بزرگوار نظیر آیت‌الله نوری همدانی در اقداماتی مثبت و پرشور در ایام فتنه با حمایت صریح خود از مقام عظمای ولایت، به وظیفه دینی و انقلابی خود عمل کردند، ولی ما این رفتار را در برخی از علما و مراجع دیگر شاهد نبودیم، علت این امر چیست؟

– آیت‌الله مصباح در جواب چنین سؤالی گفتند: تقوای مرجع اقتضا دارد که دخالت نکند، مرجع بزرگوار که تلویزیون نمی‌بیند چه مقدار از بطن جامعه اطلاع دارد تا ما انتظار داشته باشیم؛ مراجع دخالت کنند؟

با دفاع از مراجع و علمایی که در فتنه حضور نداشتند، باید گفت عدم اطلاع‌رسانی دقیق مسائل حکومت به مراجع، عدم امکانات لازم تصمیم‌گیری برای آنها و داشتن بینش نظارتی سبب شد که حضور برخی از آنها در صحنه کم‌رنگ تلقی شود.

اما وقتی مراجع اطلاع پیدا کردند و در جریان قرار گرفتند؛ حمایت و پشتیبانی خود را از نظام و ولایت ابراز داشتند به طوری که در جریان سفر مقام معظم رهبری استقبال گرم مراجع، علما، طلاب را از معظم‌له شاهد بودیم.

* در شبکه‌های تبلیغاتی رسانه‌ای غرب عنوان آخوند سیاسی مطرح می‌شود، عنوان این لفظ چه تبعاتی برای دشمن دارد؟

– مرحوم مدرس فرمود: #171؛ دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست»؛ امام خمینی (ره) نیز در جمله‌ای می‌فرماید: #171؛ اسلام همه از سیاست است»، بدیهی است کسی که درس دین را می‌خواند نمی‌تواند نسبت به جامعه، حکومت و منافع آن بی‌توجه باشد، بنابراین کسی که اسلام را به خوبی فهمیده باشد، می‌داند که باید سیاسی باشد؛ چرا که سیاست همه زندگی انسان مسلمان را در بر می‌گیرد و نمی‌شود با یک خط‌کش سیاست را از زندگی مجزا کرد، لذا آخوند غیرسیاسی نداریم و عمدتاً رادیوهای بیگانه و ماهواره‌های آنها موضوع را می‌فهمند، ولی خود را به کج فهمی می‌زنند.

* ترویج عرفان کاذب، کلیسای خانگی و از این قبیل امور که مورد هشدارهای رهبری در سخنرانی ایشان در میان مردم قم بوده است، راهکار شما برای خنثی‌سازی این فرآیند مخرب چیست؟

– عرفان‌های کاذب ریشه ایرانی ندارند، البته به جز عرفان‌هایی که منشعب از تصوف اسلامی و بومی است که نقد به آنها وارد می‌

شود، عمدتاً ریشه اروپایی و آمریکایی دارند و اخیراً وارد کشور شده است. دنیای غرب با احساس بن‌بست در زندگی دچار خلاء معنایی و معنوی شده و به دنبال راهی است که نیازهای بشر را برآورده سازد و با گم کردن راه از چاله به چاه افتاده است، جوان‌های جامعه به دلیل ضعف اطلاعاتی از ماهیت جریان‌های عرفان‌گرایی و همچنین نبود جریان‌های اصیل معنوی اسلام به این سو‌گرایش پیدا کرده‌اند. سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ناظر بر این بود که مسئولان با معرفی جریان‌های معناگرایی اصیل به جوانان، خطرهای جدی عرفان‌های کاذب را به حداقل برسانند؛ البته خود جوانان نیز باید از مسئولان طلب کنند و همه ماجرا به عملکرد روحانیت باز نمی‌گردد.